



عشایر ایرانی زبان در اوراسیا

به همت بخش باستان‌شناسی و تاریخ قرون وسطای دانشگاه خودمختار بارسلون و با همکاری مؤسسه مردم‌شناسی آکادمی علوم روسیه (مسکو) «کنفرانس بین‌المللی سکا، سرمت، الان: عشایر ایرانی زبان در دشتهای اوراسیا، بارسلون» از هفتم تا دهم مه ۲۰۰۷ برگزار شد. شهر بارسلون، مرکز ایالت خودمختار کاتالونیا در شمار شرقی اسپانیا، میزبان کنفرانس بود. در طی چهار روز برگزاری کنفرانس بیش از پنجاه سخنران از کشورهای روسیه، اسپانیا، اوکراین، لهستان، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، آمریکا و قزاقستان مقاله خواندند. زبان گفتارها انگلیسی بود، مگر چند مقاله که به فرانسه ایراد شد. مقالات در مجموعه‌ای به ضمیمه مجله Faventia ارگان بخش باستان‌شناسی و تاریخ قرون وسطای دانشگاه به چاپ خواهد رسید.

امتیاز کنفرانس در جامعیت آن بود. تاریخ و فرهنگ و هنر اقوام ایرانی زبان شمالی دهها سال است که موضوع نشستهای متعدد در اروپا قرار گرفته، ولی برگزاری کنفرانسی که سرگذشت آنان را از هزاره پیش از میلاد تا حمله مغول دربرگیرد، بی‌سابقه است. تنوع در موضوع گفتارها نیز قابل توجه بود و برای شرکت‌کنندگان مختلف در رشته‌های باستان‌شناسی و تاریخ تا زبان‌شناسی و از مردم‌شناسی تا تاریخ هنر فرصتی فراهم آمد تا از احوال سرزمینی که از مرز چین در شرق تا دانوب در غرب دامن گسترده بینشی فراگیر به دست آرند. در این پهنه وسیع از

آسیای شمالی و اروپای خاوری مردمان ایرانی‌زبان سکا و سرمت و الان، همزمان با حکومت ماد و هخامنشی و اشکانی و سامانی در فلات ایران، بیش از هزار سال فرمان راندند، تا آنکه مهاجران آلتایی از خاور و اسلاو از شمال به تدریج ایشان را مغلوب و در خود مستهلک کردند.

جلسات پانزده‌گانه کنفرانس موضوعهای گوناگون را مورد بحث قرار داد. باستان‌شناسان روس و اوکراینی نتایج حفاریهای اخیر را به سمع رساندند و در پرتو این یافته‌ها موضوع بحث‌انگیز منشأ جغرافیایی و کوچهای آغازین طوایف سکایی مورد بازبینی قرار گرفت. چند تن از سخنرانان رده‌بندی آثار یافته شده و تغییر آنها را موضوع گفتار قرار دادند. هنر جانورنما که خود فصلی از تاریخ هنر و اسباب شهرت عالمگیر اقوام ایرانی زبان شمالی است با آثار هخامنشی و یونانی مطابقت شد. داد و ستدهای شبانکارگان سکایی با مهاجرنشینان یونانی پُنطس و تأثیر آن در تشکل فرهنگ سکاییه — اوکراین امروز — موضوع جلسه‌ای بود. جلسه‌ای دیگر به حضور قبایل سرمت در شمال دریای سیاه اختصاص داشت و ارتباط ایرانیان دشتهای شمالی با آسیای مرکزی و خاور نزدیک هر کدام در جلسه‌ای مطرح شد. پژوهشهای سکه‌شناسان و شمایل‌شناسان بر مهاجرت‌های مکرر ایرانیان شمالی به سغد و خوارزم و هند و سیستان (سکستان) پرتوی نو افکند. مسائل دیرین راجع به شرقی‌ترین گروههای سکایی در حفاریهای اخیر و در منابع نویافته چینی پاسخهای نو یافت. اسب و اثرات آن در گذران زندگی و فرهنگ و هنر کوچ‌نشینان در چندین مقاله مطرح شد. چندین جلسه نیز به بررسی عصر الانی اختصاص یافت و از آن جمله متدولوژی بررسی تاریخ الان، حضور ایشان در اروپا و آفریقا، تحدید قلمرو الان به قفقاز شمالی و سرانجام پایان پادشاهی الان در تاخت‌وتازهای مغول مورد بحث قرار گرفت. نیز تفاسیری تازه از حماسه‌های نارت که در نزد آسهای قفقاز زنده است به عمل آمد. در بسیاری از جلسات، که ترتیبی تاریخی داشت، زبان‌شناسی زبانهای ایرانی شرقی سهمی برجسته داشت و تبادل آرا گاه با انتقادهای تند همراه می‌شد.^۱

۱. برای اطلاع از جلسات و خلاصه مقالات کنفرانس رجوع شود به

پایگاه اینترنتی:

<http://seneca.uab.cat/antiguitat/SCYTHIANS/CONGRESS.htm>

موضوع کنفرانس ایجاب می‌کرد که بیشتر سخنرانان از فدراسیون روسیه باشند. تنها شرکت‌کننده ایرانی، بجز این نگارنده، خانم فاطمه سودآور از لندن بودند که اگرچه به صورت آزاد در کنفرانس حضور داشتند، در بحثها فعالانه شرکت می‌کردند. گفتار من با عنوان «نگرش به سوی شمال از بام بلند ایران: دیدگاهی ایرانی از ایرانیان مرغزاران اوراسیا» ناظر بر دو مقوله بود: نخست حضور و تأثیر ایرانیان شمالی در تمدن فلات ایران و دسته‌بندی و تشخیص وجوه متمایز هجوما و جنگلها و مهاجرت‌های انبوهی که از طلوع تاریخ ایران آغاز می‌شود و تا نیمه شاهنشاهی ساسانی ادامه می‌یابد؛ از آن جمله عداوت و اتحاد کیمریان و سکاها با دولت ماد که به سقوط آشور منجر شد، جنگهای سکا و ماساگت با هخامنشیان، مهاجرت طوایف پرنی به پارت که به استیلای اشکانیان انجامید، موجهای مهاجرت پیاپی سکاها به جنوب، معارضه خیون و الان با ساسانیان. بخش دوم گفتار ناظر بود بر پژوهشی که این وقایع تاریخ‌ساز در تکوین تاریخ حماسی ایران از هسته اوستایی آن تا تدوین خداینامه داشته است. تعبیر ایرانیان تاریخی از کیانیان اوستا و دشمنی با تورانیان، در اثر تجارب مکرر تاریخی با ایرانی‌زبانان چادرنشین دشتهای شمالی به تدریج پرداخته شد و به گسترش فضای جغرافیایی حماسه ملی انجامید. داستان تقسیم قلمرو فریدون میان سلم و تور و ایرج اگرچه نام بازیگران خود را اوستا گرفته ولی بنمایه در رویارویی‌های ایرانیان تاریخی با سکاها در شرق و قبایل سرمت (جمع سرم یا سلم در زبانهای ایرانی شرقی) در غرب دارد. زال و رستم و رخس نیز نه همان ریشه‌ای سگری دارند بلکه کردارشان هم سکایی است.

ممکن است برای خوانندگان این پرسش مطرح شده باشد که چرا محل برگزاری کنفرانسی در موضوع ایران‌زبانان دشتهای اوراسیا باید اسپانیا باشد و نه آن کشورهای اروپا که از سابقه‌ای در خاورشناسی و ایران‌شناسی برخوردارند و نه حتی اروپای شرقی که موطن اکثر شرکت‌کنندگان در کنفرانس بود؟ پاسخ را باید اول در شخص آگوستی الماین (Agusti Alemany) رئیس کنفرانس یافت. وی تحصیلات ایران‌شناسی را نزدیک ده سال پیش به پایان رساند و رساله دکتری‌اش با نام «منابع الان» به توسط انتشارات بریل چاپ شد.

این کتاب در حدود ششصد متن کوتاه و بلند از دویست نویسنده را در زبانهای لاتینی و یونانی و عربی و ارمنی و کاتالان و گرجی و عبری و ایرانی و مغولی و روسی و سریانی و چینی دربر دارد و اهمیتش در آن است که به پژوهش در تاریخ این قوم فراموش‌شده ایرانی حیات تازه می‌بخشد.^۱ به مناسبت انتشار این کتاب دولت اسپانیا از آگوستی الماین تقدیر به عمل آورد، به او مدال افتخار، جایزه نقدی قابل توجه، رتبه دانشگاهی، و شش ماه فرصت مطالعاتی برای برگزاری کنفرانس اعطا کرد. اما در اینکه اسپانیا چه منظوری از برگزاری کنفرانس داشت، دو مطلب به ذهن می‌آید. یکی اینکه اسپانیا و خاصه کاتالونیا گوشه‌ای از تاریخ خود را در کنفرانس می‌جستند.

پیشروهای طوایف الان در اروپای غربی شبه جزیره ایبری را نیز درنوردید و ایشان با همدستی اقوام ژرمنی مدیدی بر اسپانیا چیره بودند. دیگر اینکه اسپانیا سالهاست که از پیله خودبینی و درون‌گردی سابق درآمده و در جامعه تمدن جهانی در جستجوی نام و نشانی درخور خویشتن است. این نهضت به ویژه در کاتالونیا و مرکزش بارسلون نمایان است. پس از مرگ دیکتاتور معروف، فرانکو، این ایالت به خودمختاری رسید و به زبان کاتالان که شعبه‌ای از زبانهای لاتینی است رسمیت بخشید. برگزاری المپیک ۱۹۹۶ بارسلون اعتباری تازه برای این شهر به ارمغان آورد.

پیشرفتهای خیره‌کننده کاتالونیا و دقت و انضباطی که در سازماندهی و اجرای کنفرانس به کار رفت، در حقیقت دو روی یک سکه است. مسافت میان فرودگاه و دانشگاه — در بیست کیلومتری شمال شهر — از طریق شبکه گسترده مترو و قطار که پهنه شهر و حومه را پوشش می‌دهد، به کمک نقشه‌های راهنما به آسانی طی شد. دانشگاه را در فضایی دل‌باز و سرسبز و مجهز به کلیه وسایل مدرن یافتیم. تمامی جلسات کنفرانس و پذیرایی‌ها بلا تأخیر از روی برنامه اجرا شد. عصر یکی از روزها ما را دسته‌جمعی به دیدار هسته تاریخی شهر بردند. معماری امروز با تاریخ هماهنگی چشم‌نواز داشت و آثار تاریخی به دست اهل فن زبردستانه بازسازی شده

۱. Sources on the Alans: A Critical Compilation, Leiden, 2000. نقد

نگارنده بر این کتاب در دوره امسال JAOS درج خواهد شد.



همراهی می‌کرد. بنده نیز به مصاحبه تلویزیونی فراخوانده شدم و ساعتی از جذبه‌های تاریخ طولانی و پرتلاطم اقوام ایران زبان شمالی و هم سابقه آشنایی دورادور خود با ایرستان سخن گفتم و از اینکه در این گردهمایی به دیدار گروه پرشماری از دانشمندان آس کامیاب شده‌ام، اظهار مسرت کردم. از حرفهایی که طی این مصاحبه زدیم بودم خبرنگاران کم‌کم دریافتند ایران کشوری عرب‌زبان نیست و مشابهت لفظ ایران با ایر (و جمع آن: Iron)، نامی که آسها خود را بدان می‌خوانند، نه از روی تصادف بلکه در مشترکات دیرین قومی و زبانی سرچشمه دارد. میزان اطلاع دیگر شرکت‌کنندگان آس نیز از ایران امروز اندک بود، چندانکه یکی از زبان‌شناسان که با پژوهشهای زنده‌یاد احمد تفضلی در زمینه زبان پهلوی آشنا بود او را ایتالیایی می‌پنداشت. از این نظر، این کنفرانس علاوه بر فواید علمی آن فرصتی مغتنم برای برقراری پیوند میان ما شد. کنفرانس با قرائت پیام رئیس جمهوری ایرستان و اعلام تشکیل انجمنی بین‌المللی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ این جمهوری به پایان رسید.

حبیب برجیان

بود. خیابانها از سیاح موج می‌زد، ولی یک‌بار هم پلیس ندیدم. اثری از آلودگی هوا و اتومبیل کهنه و بنای متروک، و البته ارزانی، به نظر نرسید. کمتر پیش آمد که در جایی جراثقال و ابزار ساخت‌وساز در افق باز خودنمایی نکند. همه‌چیز رو به سازندگی و بالندگی داشت. عمومی اهالی خوش‌پوش و خوش‌سیما و خوش‌برخورد — و لابد کوشا. درجه کوشش و کاردانی از کردار دو سه دانشجویی که امور کنفرانس را می‌چرخاندند آشکار بود. یکی از این دستیاران زرینه نام داشت، از شهر ولادی قفقاز، پایتخت جمهوری ایرستان در فدراسیون روسیه بود و دوره دکتری تاریخ را در بارسلون می‌گذراند.

بجز زرینه، دوازده تن از ایرستان (یازده آس و یک روس) در کنفرانس حضور داشتند و در موضوعات مختلف مقاله خواندند. هزینه سفر این گروه را دولت ایرستان به عهده گرفته بود، زیرا برای آسها این کنفرانس رویدادی بزرگ به شمار می‌آمد: اول بار بود که تاریخ و فرهنگ و زبانشان در یک مجمع معتبر بین‌المللی در بیرون از مرزهای جمهوری ایرستان همه‌جانبه مورد مطالعه قرار می‌گرفت. هیأتی سه‌نفره از خبرنگاران آس، گروه را

